

فریاد

شب تا به صبح ریخته دور و برش کتاب

خوابیده در میانه و زیر سرش کتاب

پشت کتاب اغلب اوقات مخفی است

مانند افسری که بود سنگرش کتاب

گاهی اگر پرد دو کلام از دهان او

باشد کتاب اولش و آخرش کتاب

از یاد برده است عیال و میال را

حتا شدهست عین پدر - مادرش کتاب

شبها به جای این که زنش را بغل کند

همواره هست همسر همبسترش کتاب

ای وای من به جای زنم حرف میزنم

او که شده هووی عذاب آورش کتاب!